

به نام خدا

نقش والدین در دروغگویی نوجوانان (۲)

باید از دادن قول‌های دروغ به افراد پرهیز نمایند و آنچه را که در حد توانشان می‌توانند عمل نمایند قولش را بدهند. دادن وعده‌های بیجا و دروغ مقدمه‌ای برای دروغگویی در افراد به وجود می‌آورد. روراست بودن، وعده‌های بیجا ندادن، راستگویی اولیا و مربیان به عنوان الگو و در موارد بی‌اطلاعی به صراحت با افراد، اظهار بی‌اطلاعی کردن، نوعی آموزش به راستگویی و دوری از دروغگویی است.

۲- بردباری در برابر ناتوانی‌ها و خطاها: متوقع بودن بیش از حد والدین از نوجوانان و جوانان آن‌ها را وادار می‌سازد دروغ و خلافکاری کنند. همراه بودن با آن‌ها و بردباری نشان دادن در راه کسب مهارت‌های لازم به مرور زمان و جبران اشتباهات یک اقدام اساسی در جلوگیری از رشد روحیه دروغگویی است.

۳- عدم اتهام دروغگو: چنانچه متوجه شویم که دروغگویی افراد از روی قصد و اراده‌ی خاصی نیست، نباید وی را متهم به دروغگویی کرد، و این خصلت زشت را در وی به ثبوت رساند. بلکه، باید غیر مستقیم از خطرات دروغگویی و خوبی‌های راستگویی صحبت به میان آورد. در این راستا از ضرب‌المثل‌ها و یا الگوهای افراد متشخص می‌توان استفاده کرد.

۴- آموزش‌های والدین: اگر نوجوانان و جوانان به سمت پیدا کردن یک الگو و معیار مشخص رفتاری هدایت شوند، این الگوها تاثیرگذار بر رفتار آن‌ها می‌شوند و رفتارهای نادرست اخلاقی از جمله دروغگویی به عنوان اعمالی غیر مجاز، زشت و ناپسند در ذهن آن‌ها تثبیت و ارزشیابی می‌شود.

۵- نقش بازی نکردن والدین: جهت مچ‌گیری از کودکان و نوجوانان در مواقعی که اقدام به دروغگویی غیرتجسس می‌کنند، راه‌های مناسب‌تری نیز وجود دارد که بهتر است به آن‌ها توسل جست.

۶- زمینه‌ی ایجاد دروغ فراهم نشود: با کودکان، نوجوانان و جوانان هرگونه که رفتار کنیم، آن‌ها نیز با ما همان‌گونه رفتار خواهند کرد. اگر با آن‌ها با آزادی و بدون تحکم و دستور دادن شدید رفتار شود، و مجبور به اطاعت کورکورانه نباشند و رفتار و سلوک ما با آن‌ها دوستانه باشد، آن‌ها نیازی به دروغ گفتن ندارند و به فکرشان هم‌طور نمی‌کند و به همان ترتیب و صادقانه با ما رفتار خواهند کرد.

در مقاله قبلی با دروغگویی و علل آن آشنا شدیم، در این مقاله ابتدا به دیگر علل دروغگویی اشاره می‌کنم، و به درمان دروغگویی می‌پردازیم.

۹- تظاهر: گاهی نیز کودک یا نوجوان ممکن است برای انجام ندادن کار، تظاهر به مریض شدن بکند. در نتیجه؛ به دروغ گفتن متوسل می‌شود. مثلاً تکالیفش را انجام نمی‌دهد، و در پاسخ به معلمش اظهار می‌دارد که مریض بوده و جالب اینجاست چنانچه پی‌گیری‌ها نیز انجام شود، اولیای او این مریضی را تایید می‌کنند تا وی را نیز تبرئه نمایند. نوعی لاف زدن بیجا شکلی از دروغگویی است که فرد سعی می‌کند به نوعی تظاهر به خشونت طبع و قساوت قلب کرده باشد تا قدرتی را به طور کاذب از خود نشان دهد.

۱۰- تحمیل تکالیف سنگین بر نوجوان: بزرگترها همان قدرت بدنی و فکری خود را از کوچکترهایشان متوقع هستند. این توقعات هنگامی که با سختگیری توأم باشد، نوجوان را به سمت دروغ گفتن هدایت می‌کند. مثلاً؛ بعضی از خانواده‌ها به نمره‌ی بیست اهمیت خاصی می‌دهند، و راضی نیستند حتی فرزندان آنها نوزده بگیرد، لذا نوجوان در یک شرایط سخت روحی به سر می‌برد، اگر نمره خوب غیر بیست بگیرد به فکر دروغ، تقلب در گفتن، دستکاری در لیست نمره، مخفی کردن کارنامه و غیره می‌افتد.

۱۱- ترس و ضعف عجز: احساس حقارت و عجز و ضعف و دست کم گرفتن خود در بعضی مواقع بشر را از راه مستقیم فطرت راستگویی منحرف می‌کند، و به سمت دروغگویی هدایت می‌کند. بزهکاری که در منزل است و به افراد خانواده اش می‌گوید، اگر من را خواستند بگویند نیستم و یا کارمندی که به علت تنبلی سرکار نمی‌رود و به اداره‌اش زنگ می‌زند و اظهار می‌دارد که مریض هستم و برایم مرخصی بنویسید. همگی عقده‌های روانی و ضعف‌های درونی است که به صورت دروغگویی جلوه می‌کنند.

درمان دروغگویی: برای کاستن از میزان دروغگویی کودکان، نوجوانان، جوانان اقداماتی در خانواده و مدرسه باید انجام شود. این اقدامات عبارتند از:

۱- گرایش اولیا به راستگویی: والدین و مربیان در خانه و مدرسه به طور جدی

